

# تحلیل زیبایی‌شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی

سید طالب جلالی\*

دکتر عباس خیرآبادی\*\*

دکتر حمیدرضا سلیمانان\*\*\*

دکتر محمود فیروزی مقدم\*\*\*\*

## چکیده

بزرگ‌ترین دستاورد ادیان الهی و عارفان مسلمان حفظ امنیت روحی و روانی انسان‌ها در مقابل تنش‌ها و وسوسه‌های شیطنانی است؛ عرفان اسلامی و رواج آموزه‌های آن نقش مهمی در تبیین احساس امنیت اجتماعی در جامعه دارد. مشکلاتی هم‌چون بزه‌کاری‌های اجتماعی، دروغ، تهمت، حيله و فریب، گریز از قانون و هزاران مفسده دیگر که امروزه گریبان‌گیر جوامع انسانی شده و روزبه‌روز بر کم و کیل آن‌ها افزوده می‌شود ناشی از فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و عرفانی است که توسط پیامبران الهی و عرفای بزرگ اسلامی به بشر تقدیم شده است تا او را از چالش‌های سیر الی الله آگاه کرده با کشتی نجات به سوی خدا رهنمون سازند. بهره‌وری از ظرفیت‌های دینی و نیز آموزه‌های عرفانی یکی از مسیرهایی است که منتهی به امنیت اجتماعی پایدار و در نهایت محکم شدن پایه‌های امنیت در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود. هدف این مقاله بررسی تعالی امنیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های عرفانی است. در مقدمه بحث به مبانی عرفان اسلامی و هدف زندگی از منظر عرفا پرداخته شده است، سپس نقش تربیتی آموزه‌های نظری عرفان در زندگی انسان: عنصر معنویت، وسعت دید، تغییر نگاه به زندگی و انسان‌ها، مخالفت با نفس، تزکیه نفس، مراقبه و محاسبه احوال و تأثیر صحبت مطرح شده است که تأمین هر یک از موارد یادشده می‌تواند امنیت اخلاقی فرد و جامعه را در پی داشته باشد و در این مسیر نقش بسزای عرفان در فراهم کردن امنیت جامعه واضح و مشهود است.

## واژه‌های کلیدی

امنیت اخلاقی، عرفان اسلامی، عنصر معنویت، تزکیه نفس

\* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، ایران.

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، ایران (نویسنده مسؤول)

\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، ایران

\*\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲

مسأله اصلی این نوشتار بررسی، توصیف و تبیین تأثیر تعالیم نظری و عملی عرفان بر تعالی امنیت اخلاقی در اجتماع است. «طبق تعالیم عرفای بزرگ، عرفان شیوه‌ای شهودی، در کشف و شناخت خداوند بیان شده است. عرفان طریقه‌ای است که در کشف حقایق جهان و پیوند انسان و حقیقت، نه بر عقل و استدلال بلکه بر ذوق اشراق، وصول و اتحاد با حقیقت تکیه دارد و برای نیل به این مراحل، دستورات و اعمال ویژه‌ای را به کار می‌گیرد. (یثربی، ۱۳۶۶: ۳۳). مراد از عرفان را توحید صمدی برشمرده‌اند: توحید صمدی ظهور و شهود سلطان وحدت حق تعالی شأنه و سیر انفس سالک الی الله است که به علم‌الیقین، بلکه فوق آن به عین‌الیقین بلکه بالاتر به حق‌الیقین دریابد که هو الاول الاخر و الظاهر و الباطن. (حسن‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۲) در بینش عرفانی، انسان به صورت الهی خلق شده است و هر انسانی که صفات الهی را در خود محقق نسازد از انسانیت انسان غفلت ورزیده است. عرفا انسان را خلیفه خداوند توصیف نموده و مدلول مفهوم خلافت این است که خلیفه تا حدی دارای اوصاف خداوند باشد؛ اوصافی از قبیل کرامت، سخاوت، حیا، شجاعت، بخشندگی و... لذا عرفان اسلامی در پی تخلف انسان به صفات الهی است و الگوی اعلائی فرد متخلف به اخلاق الهی، شخص پیامبر اکرم حضرت محمد ابن عبدالله صلی‌الله علیه و آله و سلم است که شخص عارف او را مقتدای بی‌همتا می‌داند. برای نیل به شهود حق باید مسیر سیر و سلوک پیموده شود. در حقیقت عرفان دارای دستگاه اعتقادات نظری و نظام عملی مناسب و شعایر برای رسیدن به هدف خود می‌باشد. «باور به یکتایی خداوند و حکمرانی مطلق او در هستی اساس نگرش عارف است. در مذهب عارف، یک حقیقت یک خداوند و یک موجود در عالم اصالت دارد و چیزهایی دیگر کثرات وهمی هستند. «وحدت» یا «واحد» مفهوم کانونی عرفان‌های گوناگون است که عرفای مسیحی و مسلمان آن وحدت را همان وجود واحد ربوبی یا خدا در عالم دانسته‌اند». (استیس، ۱۳۶۱: ۷۴). از نگاه عارف دیدن هرچه غیر واحد در عالم، مترادف با ثنویت و شرک است و لازمه شرک، انحراف، کژی‌بینی و کج‌روی و ناسازگاری با قوانین هستی

### تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی □ ۸۳

و جهان است. هبوط انسان از عالم معنا و بهشت ازلی وی را به غربت گرفتار نموده و آدمی از جایگاه و موطن اصلی‌اش بریده و منقطع شده است. (رازی، ۱۳۷۳: ۵۲). انسان نی بریده از نیستان است که ناله تلخ جدایی‌ها را ساز نموده و در بیان شرح درد اشتیاق سینه‌ای چاک‌چاک دارد و در پی بازجستن روزگار وصل خویش است. (مولوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱). هبوط انسان وی را دچار خوابی گران کرده و پرده‌های نسیان بر ذهن و ضمیرش کشیده است. هوشیاری نسبت به ماهیت فناپذیر نفس و عالم باعث ترک دل‌بستگی‌های مادی و آنی می‌گردد و در عین حال آدمی را به دل‌بستگی‌های اصیل سوق می‌دهد.

### پیشینه پژوهش

درباره موضوع امنیت پژوهش‌های زیر صورت گرفته است: فدایی شهری غلامرضا، اسماعیلی محسن. (۱۳۹۷). راهبردهای پیشگیری از وقوع جرائم علیه امنیت اخلاقی در ایران، نشریه امنیت ملی؛ لکزایی، نجف. (۱۳۹۳). بررسی ابعاد اخلاقی امنیت بین‌الملل از منظر آیت الله جوادی آملی؛ افتخاری، اصغر؛ ریاضی وحید. (۱۳۹۰). تهدید نرم و امنیت اخلاقی نشریه مطالعات قدرت نرم؛ یالمین‌پور، وحید. (۱۳۸۹). امنیت اخلاقی و تصویرسازی رسانه ملی بایسته‌های پرداخت رسانه ملی به موضوع پیشگیری از جرم؛ پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی باهدف بررسی روابط ابعاد دین‌داری با متغیرهای احساس امنیت در سطح شهرستان کوه دشت با روش توصیفی - تحلیلی ۴۰۰ نفر را تحت مطالعه قرار دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از همبستگی معنادار اکثر ابعاد دین‌داری با متغیرهای احساس امنیت است. و... ولی از آنجایی که در کمتر مقاله‌ای به موضوع امنیت در سایه‌سار تعالیم عرفانی پرداخته شده بر آن شدیم تا در این پژوهش به تأثیر و ارتباط آموزه‌های عرفانی و نقش آن بر امنیت اخلاقی فرد و جامعه بپردازیم. اهمیت موضوع و بدیع بودن آن می‌تواند نتایج ارزنده و نیز مهمی را در برداشته باشد. در این مقاله سعی شده است به سؤالات اساسی زیر پاسخ داده شود که:

۱- آیا عرفان دارای مؤلفه‌هایی هست که بتواند بر امنیت اخلاقی تأثیر بگذارد؟

#### ۸۴ تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی

۲- آیا آموزه‌های عرفانی صرفاً دارای کارکرد فردی هستند یا آثار اجتماعی نیز بر آنها مترتب است؟

۳- چگونه در برابر تهدیدها و آسیب‌هایی که امنیت اخلاقی را تهدید می‌کند می‌توان از آموزه‌های عرفانی مدد جست؟

۴- آموزه‌های عرفانی درآشفته بازار رواج فرهنگ مادی‌گرا و تن‌پرست، تهاجم فرهنگی، ترویج ابتذال و... متاعی برای عرضه دارند؟

با توجه به شرایط موجود جوامع و دنیای کنونی چنین فرض می‌شود که آموزه‌های عرفان بر فرد و جامعه تأثیر مثبتی می‌نهند. و نیز احتمال داده می‌شود آموزه‌های عرفان اسلامی دارای آثار اجتماعی ارزنده‌ای باشند. به نظر می‌رسد که به کار بستن تعالیم عرفانی اسلامی می‌تواند امنیت اخلاقی فرد را تعالی بخشد.

#### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. به منظور تدوین پیشینه نظری و سوابق تجربی تحقیق از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) بهره گرفته شده است. رویکرد اصلی در این مقاله، این است که چگونه می‌توان از آموزه‌های عرفان اسلامی که یکی از اصیل‌ترین منابع معرفتی بشر (عرفان) است در جهت تعالی امنیت اخلاقی استفاده نمود. انجام چنین پژوهشی از دو ناحیه قابل توجه است:

- تهدیدهای زندگی بشر در عصر حاضر

- اهمیت عرفان و دستاوردهای آن.

#### نقش تربیتی آموزه‌های نظری عرفان در تعالی امنیت اخلاقی

پاره‌ای از آموزه‌های عرفانی بالقوه واجد ویژگی‌های تربیتی خاصی هستند که در صورت آموزش صحیح آن‌ها به افراد، می‌توانند به عرصه عمومی و حیات اجتماعی وارد شده و به

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هجدهم ❖ شماره ۴۴ ❖ تابستان ۱۳۹۹

تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی □ ۸۵

رفتار فرهنگی تبدیل شوند و باعث زیستن فرد در فضایی معنوی، همراه با آرامش، صلح باشند.

مؤلفه‌های دگرگون‌کننده عرفانی به قرار ذیل هستند:

#### عنصر معنویت

هدف آموزه‌های عرفانی افزایش توجه انسان به عنصر معنویت است. تعالیم عرفانی، تقویت و تعمیق گرایش‌های معنوی را سرلوحه کار خویش قرار داده و انسان را به رهایی از روزمرگی می‌خوانند. عرفان افق‌های وسیع معنوی را به روی انسان می‌گشاید و به او امکان پرواز روح را می‌بخشد. نتیجه عملی تقویت عنصر معنویت در زندگی انسان، بخشیدن روحی متعادل، تصفیه یافته و پیراسته به آحاد انسانی است. عرفان و آموزه‌های آن، انسان را از در غلتیدن به مادی‌گرایی صرف، روزمرگی، غلبه احساس پوچی و بی‌معنایی رهایی می‌بخشد. «عنصر مراقبت که در عرفان رکن اساسی سیر و سلوک به حساب می‌آید، موجب نیل انسان به مقام والای معنوی و درک توحید و بلکه تجلی توحید بر آدمی می‌شود و مراد از توحید، توحید افعالی، صفات و ذات است». (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۷: ۲۴).

#### وسعت دید و مشرب

از نتایج تعالیم عرفانی، برخوردار شدن شخص عارف از وسعت مشرب و دید می‌باشد. در نزد انسان‌ها که هستی خود را محدود، موقتی و محاط به دور چند روزه هستی می‌دانند، بروز دیدگاهی تنگ‌نظرانه و کوتاه‌بینانه امری طبیعی به نظر می‌رسد. عموماً بر زندگی‌های متداول و روزمره، آفات مترتب می‌شود. افراد به عوض پیشرفت دچار رکود می‌شوند. بینش و مشرب عرفانی روح را تصعید می‌بخشد و او را به ساحت‌های متعالی‌تر، اصیل‌تر، پاک‌تر و والاتر وجودش سوق می‌دهد لذا روح او منزّه و پیراسته و کمتر آلوده می‌شود.

اصولاً بسیاری از بداخلاقی‌ها و قساوت‌ها و سخت‌گیری‌ها ناشی از عدم وسعت مشرب و تنگ‌نظری است. مبانی اعتقادی عارف، مانع گرفتاری او به کج‌خلقی و بینش محدود می‌گردد.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هجدهم ❖ شماره ۴۴ ❖ تابستان ۱۳۹۹

## ۸۶ تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی

به تعبیر شیخ اجل کسی که همه جهان را جلوه‌گاه معشوق تلقی می‌نماید بر همه جهان عاشق است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست      عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست  
(سعدی، ۱۳۸۱: ۵۴۹)

«جهان مجرا و محل ظهور حق است و انسان عارف حق را در همه چیز درک می‌کند و می‌بیند و به همه مظاهر حق عشق می‌ورزد زیرا خود مستغرق در محبت حق تعالی است. بلندنظری عارف، زیست مسالمت‌آمیز و منصفانه با خلق را برای وی در پی دارد. لذا بلندنظری او موجب می‌شود که از تجسس و عیب‌جویی دیگران اجتناب کند و به او صفاتی نظیر شجاعت، خطاپوشی و خطابخشی، دوری از کینه و ستیز و چشم‌پوشی از کوتاهی‌ها می‌بخشد.»  
(یثربی، ۱۳۶۶: ۴۷۸) این همان تعبیری است که مولانا به زیبایی آن را چنین بیان می‌کند:

در کف ندارم سنگ من با کس ندارم جنگ من      با کس نگیرم تنگ من زیرا خوشم چون گلستان  
(مولوی، ۱۳۳۵: ۶۱۲)

### تغییر نوع نگاه به زندگی

انسان عارف، هستی و حیات آدمی در روی زمین را متفاوت از افراد عادی و حتی پیروان فلسفه‌های بشری درک می‌کند. عارف در هستی متداول، معنا و ژرفایی را می‌بیند که در عمق جانش قابل فهم و هضم است. وی هستی را پرتوی از شعشعه ذات ذوالجلال و الاکرام می‌یابد که هستی انسان‌ها و همه موجودات به یکدم وابسته است. اوست. عالم همه به فرمان اوست و یک «کن» او «فیکون» شده است. همه اجزاء هستی از خداوند خبر می‌دهند و تسبیح‌گوی اویند:

جمله اجزای زمین و آسمان      با شما گویند روزان و شبان  
ما سميع و بصيريم و هشيم      با شما نامحرمان ما خامشيم

(مولوی، ۱۳۰۱، ج ۳: ۱۰۱۹)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هجدهم ❖ شماره ۴۴ ❖ تابستان ۱۳۹۹

تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی □ ۸۷

انسانی که هستی را کارگاه حق تعالی می‌داند و او را هر روز در کاری، گرمای وجود الهی را در عالم حس می‌کند و روح و جان خویش را بدان می‌نوازد.

### تغییر نوع نگاه به انسان

در روابط چهارگانه انسان با عالم، رابطه او با هستی، با خداوند، با خود، با سایر انسان‌ها، رابطه چهارم رقم زننده کیفیت سلوک و زیست او در مقطع کوتاه هستی است.

مشرب و روحیه عرفانی عموماً انسان را به سازگاری با دیگران و حسن شهرت و معاشرت دعوت می‌کند. در این نگرش، مشاجره‌های سخت و حتی مسائلی به مراتب کمتر از آن در مناسبات اجتماعی و انسانی منع شده است. شرط سیر و سلوک، صلح و سازش و حیات سالم در بین انسان‌هاست.

انسان در عرف عرفان شایستگی و امکان تکامل تا پایگاه «همسانی با خداوند» را داراست. نظریه انسان کامل در عرفان اسلامی حد نهایی امکان رشد شخصیت انسانی را نشان می‌دهد، زیرا پدیده عشق و روحیه عشق ورزانه در انسان الهی، ولی خداوند در اوج است. به تعبیر استیس در سرشت عرفان، عشق سرشته است که خود والاترین انگیزه کردارهای نیک است.

### نقش تربیتی عرفانی عملی در ایجاد امنیت

انحطاط امنیتی در دنیا باعث بروز برخی انقلاب‌ها و قیام‌ها و شورش‌ها به‌ویژه در کشورهای دارای نظام استبدادی و تحت سلطه استعمار شده است. برای همین نخبگان امنیتی در تلاش برای ارایه بحث‌هایی در این زمینه بوده‌اند تا این انحطاط فروکش کند و این مطالعات بتوانند دنیا را به سمت وسوی ببرد که از اوضاع منحط امنیتی خارج شویم. در همین زمینه مطالعات اسلامی امنیت هم دنبال این است که ادبیاتی تولید کند که مبتنی بر نگاه بومی و اسلامی و سازگار با مبانی اندیشه‌ای ما باشد، البته بخش عمده ادبیات تولید شده نیز مربوط به مراکز و کشورهای است که خود عامل ناامنی در جهان بودند و لازم است که مسلمانان درباره

## ۸۸ تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی

ایجاد ادبیات امنیتی تلاش نمایند. در عصر حاضر پیدایش مکتب‌های رقیب دین نظیر اگزیستالیسم، مارکسیسم، ماتریالیسم و فمینیسم، نگرش انسان معاصر را نسبت به زندگی دچار دگرگونی کرده است و نظام‌های غیر عربی نیز با پذیرش دستاوردهای آن مکاتب دچار عوارض و آفات آن‌ها شده‌اند، این آفات به طور مستقیم زندگی بشر را تهدید می‌کند که یکی از آن‌ها مادی‌گرایی است. اصالت بخشیدن به اهداف مادی و اولویت‌دادن به کسب منافع دنیوی همراه با غلبه ارزش‌های دنیا مدار بر ارزش‌های معنوی، چکیده مادی‌گرایی است. یکی از آفات‌های پاره‌ای مکاتب معاصر، نگرش تک‌بعدی به حیات بشری است: تهی‌کردن یا تهی‌دیدن انسان از ارزش‌های ماورایی و معنوی و تبدیل او به حیوان چرنده‌ای که باید در این عالم زیست کند. «غلبه تفکر مادی بر اذهان، موجب بروز سیطره جویی و منازعه‌های ناگوار بر سر اهداف مادی در حیات اجتماعی می‌گردد. ارزش‌های معنوی و فضیلت‌های دینی به فراموشی سپرده می‌شود. سیطره نگرش کمی بر حیات بشری به مسلخ بردن نگاه آسمانی و معنوی انسان است. طبق تعریف عرفا انسان عبارت از چیزی است که دوست می‌دارد». (یثربی، ۱۳۶۶: ۶۱). بنا بر این تمایل به لذت‌های مادی و اصل دانستن اهداف مادی موجب سقوط انسان از مرتبه کرامت انسانی و معنوی‌اش می‌گردد. دیگری موضوع لذت‌انگاری و لذت طلبی می‌باشد. رواج فرهنگ دم‌غنیمتی و لذت خواهی نیز از عوامل تضعیف امنیت اخلاقی در جامعه است. در فرهنگ دم‌غنیمتی و لذت‌طلبی، ثروت، قدرت و زیبایی جانشین حکمت، بزرگواری و شرافت (یا عدالت، زیبایی و خیر) می‌گردد که جامعه را تهدید می‌نماید. ناگفته نماند که فمینیسم متجدد از زنان می‌خواهد که از مسئولیت‌های اولیه به‌عنوان انسان صرف‌نظر کنند و نقش‌های خدادادی‌شان را در زندگی مورد تردید قرار دهند. هم‌چنین موجب عصیان زنان در مقابل زنانگی، هویت و سرنوشتشان شده است. آنان زندگی‌شان را در مبارزه برای کسب برابری اجتماعی و اقتصادی با مردان در جهان سپری کرده و اهمیت واقعی زنانگی را فراموش نموده‌اند. (کیس ویت، ۱۳۸۳: ۱۱۳). هدف نهضت فمینیسم متجدد مبارزه با ظلم‌های اجتماعی نسبت به زنان در دنیا و کسب تساوی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با مردان دانسته

## تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی □ ۸۹

شده است. اما به‌طور کلی نهضت فمینیسم نه دغدغه ترس و عشق نسبت به خدا دارد و نه دغدغه طلب نجات را. هم‌چنین فمینیسم متجدد با دیدگاه تشریح دینی سر ناسازگاری دارد زیرا این تشریح، فردیت و آزادی را محدود کرده و بر انجام وظایف مردان و زنان در قبال خدا بیش از وصول به حقوق فردی تأکید می‌کند. (همان: ۱۳۰) این سنخ مخالفت‌ها امروزه در جوامع غربی و به‌تبع آن جوامع مقلد آنان آثار خود را نشان می‌دهند: گسیختگی قیود در روابط جنسی، زوال اعتقاد به حرمت پیوندهای روابط زناشویی، طلاق و خانواده‌های متلاشی‌شده، بزهکاری جوانان و ازدیاد امراض ناشی از روابط جنسی. (همان: ۱۳۲) عصر حاضر شاهد زوال حرمت زنان و تبدیل آنان به ملعبه و بازیچه می‌باشد. در عین حال که فمینیست‌ها برای کسب حقوق و تساوی‌شان با مردان در تلاش هستند، زنان و دختران سخت در فشارند تا در سنین هرچه جوان‌تر فریبده باشند. زنان باید سعی کنند تا زیبایی جوانی خود را با هورمون‌ها، کشیدن پوست صورت، دارو درمان و رژیم‌ها و ... حفظ کنند. (همان: ۱۴۶). حال عرفا در سیر و سلوک عملی خود راهکارهایی برای ایجاد امنیت دارند که به قرار ذیل می‌باشد

### مخالفت با نفس و هوی و هوس‌ها

یکی از مهلکه‌های وجود انسان، تسلیم و رضا در مقابل خواهش‌های نفسانی است. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ». (یوسف: ۵۲) در خصوص نفس بیان شده که: «همه وحشت‌ها از نفس است. اگر تو او را نکشی او ترا بکشد و اگر تو او را قهر نکنی او تو را قهر کند و مغلوب خود کند». (محمد بن منور، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۸۹). به تعبیر دیگر ابتدا مرض دنیاپرستی و هواخواهی باعث می‌شود که محبت دنیا قلب انسان را فراگیرد و نسبت به خدا و پیامبران و اولیا الهی دشمنی ورزد. (امام خمینی، ۱۳۵۹: ۵۶). بزرگان و عرفای مسلمان منشأ همه گرفتاری انسان را حب جاه و حب نفس برشمرده‌اند. همه‌ی خطاها ناشی از حب نفس توصیف شده است و رسالت همه انبیاء را بیرون آوردن انسان از چاه و نفسانیات برشمرده‌اند. حتی مفهوم دنیای مذموم را آمال انسان و توجه او به نفس برشمرده‌اند. (همان: ۴۰، ۲۸، ۱۵، ۱۴).

## ۹۰ تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی

اصولاً تسلیم شدن به هوی نفس امنیت فرد را به خطر می‌اندازد. این تسلیم شدن گاهی در قالب انحرافات و مفاسد اخلاقی و گاهی در قالب زیاده‌خواهی‌های انسان، امنیت اخلاقی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. آموزه‌های عرفانی به رام و مطیع کردن نفس سرکش کمک می‌کند و همین امر به رشد و تعالی امنیت در جامعه مدد می‌رساند.

### تزکیه نفس

«و نفس و ما سوّیها فالهمها فجورها و تقویها قد افلح من زکیها». (شمس: ۱۰-۶) عارفان نفس را دشمنی قوی و دارای مکرهای فراوان می‌دانند و اصلاح و تربیت آن را کاری عظیم برشمرده‌اند. از تربیت نفس، شناخت نفس و از شناخت نفس، شناخت حق حاصل می‌شود. (رازی، ۱۳۷۳: ۹۸). به عقیده صوفیه، دو صفت هوا و غضب، ذاتی نفس است که این دو صفت خمیرمایه دوزخ است. این دو صفت را باید در حد اعتدال نگه داشت و قانون شریعت و طریقت معیاری برای در اعتدال نگه‌داشتن آن دو است تا در مرتبه بهیمی و سبعی نیفتند. (همان: ۱۰۱). زیرا بسیاری از صفات رذیله انسان که مایه بروز مشکلات اساسی در زندگی می‌گردند، نظیر شره، حرص، امل، خسیس بودن، دنائت طبع، شهوت، بخل و... همگی محصول تسلیم شدن انسان در مقابل صفت هوی است. همچنین در صورت تسلیم شدن در مقابل صفت غضب انسان دچار بدخویی، تکبر، عداوت، تندی، خودرأیی، استبداد، بی‌ثباتی، عجب و تفاخر می‌گردد. به تعبیر نجم‌الدین رازی، «کیمیای شریعت (یا عمل به احکام شرعی) این است که صفات هوی و غضب را به اعتدال باز می‌آورد و انسان را به این صفات غالب می‌کند تا مغلوب آن‌ها نباشد. نتیجه تسلط بر نفس بروز صفاتی چون حیا، جود، سخاوت، شجاعت، حلم، تواضع، مروّت، قناعت، صبر، شکر و سایر اخلاق حمیده است که مایه پاکی روح می‌گردد». (رازی، ۱۳۷۳: ۱۰۲).

بسیاری از مشکلات اخلاقی و عدم امنیت در جامعه، ریشه در رذایل فردی انسان‌ها، نظیر حرص، بخل، حسد و تکبر، تندخویی، خودرأیی، تفاخر و... دارد. لذا تعالیم اخلاقی و عرفانی می‌توانند تا حدی از شدت صفات مذکور بکاهند و همین امر برای مثمر ثمر بودن آن‌ها کفایت

می‌کند.

تعالیم عرفا عموماً بر نیکوسیرتی انسان تأکید می‌کنند و مقصود از نیکوسیرتی، این است که انسان با هیچ‌کس بدی نکند و با همه‌کس نیکی کند و بد هیچ‌کس را نخواهد و همه‌کس را نیک خواهد، «زیرا خاصیت نیک‌خویی و نیک‌نفسی آن است که اول، حال و کار نیک‌نفس و نیک‌خواه، خوب شود. هم‌چنین خاصیت بدخواهی و بدنفسی آن است که حال و کار نفس بدخواه بد شود. پس هر که بدی خلق می‌خواهد به حقیقت با نفس خود بد می‌کند». (نسفی، ۱۳۵۹: ۲۰۳).

در واقع، عمل به این تعالیم، نوعی سازگاری اجتماعی پدید می‌آورد که منشأ آرامش و امنیت در جامعه می‌گردد.

#### مراقبه و محاسبه احوال

فرورفتن در خواهش‌های نفسانی و شهوت‌ها باعث غفلت انسان از خود اصیل و وجود شریفش می‌گردد. رها نمودن نفس به حال خود، مضرات و آفات زیادی را در پی دارد و منشأ بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی، گرایش به شهوت‌ها و خواسته‌های آنی و زودگذر است. مراقبه و محاسبه احوال و اوضاع نفس یکی از تعالیم اساسی عارفان است. مراقبه نفس سبب می‌شود که آدمی به حال خود رها نشود و در مسیر خودسازی قرار گیرد. عرفا بیان می‌کنند که «عاقل کسی است که او را چهار ساعت بود. ساعتی که در آن تدبیر معاش خود کند و ساعتی که به مناجات حق تعالی مشغول شود و ساعتی که در آن محاسبه نفس و تدبیر معارف خود کند و ساعتی که بدان چه وی را مباح کرده‌اند، بیاساید. شرط زیان و خسران نکردن در این عالم توجه و مراقبت از نفس است». (خوارزمی، ۱۳۶۰: ۱۴۱).

مراقبه نفس اگر ملکه انسان‌ها شود و در همه حال مراقب گفتار و رفتار خود باشند، از آفت‌ها و مهلکه‌های نفسانی نجات پیدا می‌کنند و جامعه در امنیت و آرامش قرار می‌گیرد. مراقبه نفس موجب کنترل ذهن و زبان انسان می‌شود و زبان آدمی که پرده‌ای بر وجود است: «المرء مخبوء تحت لسانه». (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۴۹۷). آنگاه تحت کنترل خواهد بود که ذهن کنترل شود. لذا عموماً عرفا به حفظ زبان توصیه می‌کنند. اما حفظ زبان فرع بر کنترل ذهن

## ۹۲ تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی

است. فن مراقبه از بروز مشکلات، درگیری‌های لفظی و مشاجرات ممانعت می‌کند.

### تأثیر صحبت و هم‌نشینی

یکی از آموزه‌های زندگی‌ساز عرفا توصیه به عدم مصاحبت با ناپاکان است. امروزه می‌بینیم که یکی از معضلات اساسی در جامعه، تأثیر مخرب همسالان و گروه‌های منفی مرجع می‌باشد. بسیاری از مشکلات اخلاقی و ناهنجاری‌های رفتاری و به تبع آن عدم امنیت اخلاقی، ناشی از هم‌نشینی با انسان‌های ناهل می‌باشد. عرفا توصیه اکید به اجتناب از هم‌نشینی با ناپاکان می‌کنند. آن‌ها دوری از انسان‌های وارسته را دوری از خدا می‌دانند:

چون شدی دور از حضور اولیا در حقیقت گشته ای دور از خدا  
(مولوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۲۲۱۴)

هرکس که با انسان‌های ناصالح نشست و برخاست کند، اگر در گلستان هم باشد در واقع در گلخن است. هم‌چنین هم‌نشینی با انسان‌های نادرست را موجب آسیب دیدن عقل می‌دانند. برعکس اگر آدمی با انسان‌های صالح هم‌نشینی کند در واقع در حضور خداوند است و البته چنین هم‌نشینی بر خلق و خوی او اثرگذار است.

هر که با ناراستان هم سنگ شد در کمی افتاد و عقلش دنگ شد  
(همان: ۱۲۳-۱۲۲)

هر که خواهد هم‌نشینی خدا تا نشیند در حضور اولیا  
(همان: ۲۱۶۴)

هم‌نشینی با این افراد موجب تحوّل وجود آدمی و گام برداشتن در مسیر خیر و صلاح و به تبع آن ایجاد آرامش خواهد شد.

هم‌نشینی مقبلان چون کیمیاست چون نظرشان کیمیایی خود کجاست  
نار خندان باغ را خندان کند صحبت مردنست از مردان کند  
گر تو سنگ صخره و مرمر شوی چون به صاحب دل رسی گوهر شوی

تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی □ ۹۳  
(کاشفی، ۱۳۶۲: ۱۳۸)

### سیر و سلوک عرفانی و آثار آن در ایجاد امنیت

سالک طریق معنویت با طی مراحل به هدف خود نائل می‌شود. با بررسی پاره‌ای از این مراحل و گام‌های طریق معنویت، می‌توان به روشنی آثار آن‌ها را در ایجاد امنیت نشان داد.

#### زهد

به قول ابومحمد رویم بن احمد: «حقیر داشتن دنیا و آثار آن را از دل زدودن»، (دامادی، ۱۳۶۳: ۸۵) لازمه سیر و سلوک است. به تعبیر عرفا «برای یافتن ذوق طریقت و فایده بردن از هستی خود، باید که دل از دوستی اموال دنیوی و حرص زخارف خلاص کند و بداند که در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عذاب». (العبادی، ۱۳۴۷: ۶۰-۵۹).

درس اصلی عرفان در زندگی کم کردن تعلق و وابستگی می‌باشد. اگر حب دنیا یا اشتغال به آن در انسان افزایش پذیرد، مفاسد و آثار شومی در پی دارد که بسیاری مواقع موجب تهدید زندگی انسان می‌شود و امنیت و آسایش را از او سلب می‌کند. عموماً یکی از مسایل مخل آسایش و امنیت در جامعه و منشأ بسیاری از فتنه‌ها، دل‌بستگی و وابستگی به مشتهیات و کالاهای مادی و دنیوی می‌باشد. گاهی مشاهده شده است که افراد به سبب وابستگی به اموال دنیوی مرتکب اعمالی هم‌چون دزدی شده‌اند یا از سر حسادت و بغض، به اموال عمومی یا اموال دیگران آسیب‌زده و به این ترتیب و نظم و امنیت جامعه را بر هم زده‌اند.

اگر یکی از فواید تعالیم عرفانی نمایاندن بی‌ثباتی و کم‌ارزش بودن کالاهای مادی و دنیوی باشد و بتواند انسان‌هایی پرورش دهد که از وابستگی آن‌ها - سخن از نفی وابستگی در میان نیست - بکاهد، کارکرد مثبت و ثمربخش خود را به انجام رسانیده است.

حیات و زندگی آمیخته با زهد به تحقق بینش و بصیرت معنوی و ایجاد آرامش و امنیت در جامعه منجر می‌شود.

«مقصود از ورع، ورزش اخلاق برای تصفیه باطن سالک است». (دامادی، ۱۳۶۳: ۹۱). ابوسعید ابوالخیر ورع را ترک تجمل و دوری کردن از حرام خداوند توصیف نموده است. (همان: ۹۰) که یکی از آفات زندگی بشر در عصر حاضر است. غلتیدن در مسابقه مدگرایی و فزون‌خواهی هرچه بیشتر و عدم قناعت یا رضایت نسبت به دارایی‌ها و اموال موجود، منشأ بسیاری اختلافات و موجب تباهی بسیاری از خانواده‌هاست. همین فزونی‌خواهی‌هاست که موجب آلودگی به حرام در زندگی‌ها گردیده است. اگر سه نوع ورع را از نظر شبلی مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم که هر یک از آن‌ها تا حد زیادی می‌تواند در حل مشکلات سودمند باشد.

الف) ورع به زبان که موجب ترک سخنان بیهوده می‌گردد. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که گاهی یک‌سخن یا تعبیر ناشایست چون جرقه‌ای باعث برافروختن آتش می‌گردد که ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد و امنیت و آسایش جامعه را به هم بزند. به تعبیر مولانا: ای زبان هم آتش و هم خرمنی چند آتش را در این خرمن زنی ای زبان هم گنج بی‌پایان تویی ای زبان هم رنج بی‌درمان تویی (مولوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۷۰۱)

ورع موجب آموختن و تمرین ترک سخنان بی‌معنا یا مناقشه‌برانگیز می‌گردد که آرامش وجدان آدمی را در پی دارد.

ب) ورع به ارکان که موجب ترک شبهات و محرمات می‌گردد. اگر ورع بتواند به خاموش کردن آتش امیال زیاده‌خواهانه مدد رساند، منشأ بسیاری از مفاسد و انحرافات اخلاقی مسدود می‌گردد و در پی آن امنیت در جامعه حاکم می‌شود.

ج) ورع به قلب را موجب ترک همت‌های پست و اخلاق بد شمرده‌اند. عموماً یکی از عوامل ایجاد اختلال در امنیت جامعه، به سوء اخلاق مربوط است. ورع یا ترمز درونی انسان می‌تواند او را از ارتکاب یا اهتمام به موارد سوء اخلاقی دور بدارد و به تقویت امنیت منجر شود.

### تواضع

تواضع که در علم اخلاق به‌عنوان فضیلت فرد دین‌دار معرفی شده است، در عرفان و در سیر و سلوک سالک نیز مطرح می‌شود. معمولاً تواضع را در مقابل تکبر بیان می‌کنند. خصلت تکبر در هر فردی موجب ویرانی و تباهی عمر وی می‌گردد. از این‌روست که به تعبیری ام‌الرذایل خوانده شده است. تکبر با خود، خوی‌های ناپسندی چون خودخواهی، خودرأی، انحصارطلبی و تا حد زیادی کوتاه‌اندیشی را همراه دارد؛ این آفات و رذایل فردی زمینه‌ساز زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی هستند. برعکس انسان موفق، مشحون از حس دیگر خواهی، عدم خودپسندی، خودبینی، مشارکت، جمع‌گرایی، هم‌اندیشی و ترسیم افق‌های بلند و دورتر در زندگی است. همه فضایل بیان‌شده، با پایبندی به یک اصل یعنی تواضع تحقق می‌یابد. تواضع را نیکوترین خلق صوفی و گنجی توصیف کرده‌اند که هرروز می‌توان از آن خرج کرد. معاشرت با مردم را آسان می‌نماید و مایه ایجاد آسایش در هم‌صحبت‌های وی می‌گردد. صوفیه عمدتاً به کارکرد اجتماعی تواضع نظر داشته‌اند، چرا که سبب‌ساز آرامش و امنیت در جامعه می‌شود. جنید می‌گوید که تواضع نرم‌خویی است در معاشرت با خلق. از یحیی معاذ رازی نقل شده که « تواضع پسندیده است اما از توانگران پسندیده‌تر و تکبر ناپسندیده است اما از درویشان ناپسندیده‌تر و زشت‌تر». (سهروردی، ۱۳۶۴: ۱۰۹).

### صبر

از نظر عرفا یکی دیگر از لوازم سیر و سلوک عارفانه التزام به صبر است. عرفا صبر را دارای سه رکن می‌دانند: «۱- صبر بر بلا ۲- صبر بر معصیت ۳- صبر بر طاعت». (خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۶۸: ۲۲). آن‌ها صبوری را نشانه ایمان و دین‌داری می‌دانند. از ابوالعباس سیاری نقل شده که: «ایمان بنده هرگز راست بنایستد تا صبر نکند بر ذل هم‌چنان که صبر کند بر عز». (دامادی، ۱۳۶۳: ۱۱۵). اولاً ناملايمات زندگی انسان برخاسته از دو وضعیت است: یا آدمی به چیزی تمایل دارد و مشتاق نیل به آن است و حاصل نمی‌شود یا این‌که از چیزی اکراه

## ۹۶ تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی

دارد و از آن می‌گریزد اما به آن مبتلا می‌گردد مثل بیماری، رنج، فقر.

صوفیه صبر را مفتاح این دو مشکل می‌دانند و بر آنند که صبر بر دو قسم است. «صبری است بر آنچه کاره آنی و صبری است بر آنچه طالب آنی». (غنی، ۱۳۸۰: ۲۸۵). عرفا یکی از انواع صبر را صبر بر اموری دانسته‌اند که بر انسان عارض می‌شود. یعنی انسان دچار آن‌ها می‌شود مثل هجوم یا آزار از ناحیه دیگری، پس صبر در عدم مکافات را گاهی واجب و گاهی فضیلت می‌دانند. همچنین صبر بر اموری نظیر فقدان عزیزان، نابودی اموال، زوال سلامتی همگی این‌ها جزو صبر بر مصائب تلقی می‌شود. (کاشانی، ۱۳۶۶، ج ۷: ۱۲۶) صبر موجب ایجاد آرامش در وجود انسان می‌گردد. این آرامش لازمه امنیت و تعالی آن در جامعه است زیرا حوادث، مشکلات، غم‌ها و تلخی‌ها در زندگی فراوان است و هیچ کیمیایی جز صبر چاره‌ی آن نیست:

صد هزاران کیمیا حَق آفرید کیمیایی هم‌چو صبر آدم ندید

(مولوی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۱۸۵۴)

و ماحصل کلام آن‌که:

صبر تلخ آمد ولکن عاقبت میوه شیرین دهد پُر منفعت

(نراقی، ۱۳۸۳: ۶۱۹)

## نتیجه

انسان در همیشه تاریخ جویای رشد و تعالی بوده است و برای رسیدن به آن، به شیوه‌های گوناگون متوسل گردیده تا به حقیقت برسد؛ عرفان یکی از شیوه‌های کشف حقیقت است که در طی مراحل به کشف بدون واسطه منجر می‌شود. هرچه زمان سپری می‌شود عرفان نمود بیشتری در اجتماع پیدا می‌کند. جهان‌بینی عارفانه با تقویت عنصر معنویت، ایجاد وسعت دید و مشرب وجود آدمی و تغییر نوع نگاه انسان به زندگی زمینه تحول عظیمی در انسان فراهم می‌کند که آثار آن در سلوک فردی و تعالی امنیت اخلاقی انسان مشخص می‌گردد. هم‌چنین با رجوع به آثار عرفای بزرگ مسلمان هم‌چون مولوی مشخص شد که عرفان در حوزه عمل نقش تربیتی خاصی ایفا می‌کند. مواردی نظیر کنترل قوای نفسانی، مراقبه، محاسبه، زهد و رزی، رعایت ارزش‌های معنوی، تمرین تصفیه باطن، روحیه تواضع و مدارا و مزین نمودن آدمی به فضیلت صبر و توکل، از دستاوردهای تربیتی عرفان عملی است که همه آن‌ها در تعالی امنیت اخلاقی تأثیر مثبت دارند. در عرفان اسلامی هم‌چنین به فواید امنیت اخلاقی توجه شده است.

### منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید. ترجمه ناصر مکارم شیرازی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۶.
- ۲- نهج البلاغه. ترجمه محمد مشهور، قم: دشتی، ۱۳۷۹.
- ۳- ابن مسکویه. تهذیب الاخلاق و تطهیر العراق. ترجمه علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
- ۴- استیس، وت. عرفان و فلسفه. ترجمه بهالدین خرّمشاهی، سروش: تهران، ۱۳۶۱.
- ۵- انصاری، خواجه عبدالله. صد میدان. به اهتمام قاسم انصاری، تهران: طهوری، ۱۳۶۸.
- ۶- العبادی، قطب‌الدین. التّصفیة فی احوال الصّوفیة. تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۴۷
- ۷- حسن‌زاده آملی، حسن. مجموعه مقالات. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۸- خمینی، روح‌الله. تفسیری بر سوره حمد و علق. البرز: تهران، ۱۳۵۹.
- ۹- خوارزمی، کمال‌الدین حسین. ینبوع الاسرار فی نصاب الابرار. به کوشش محمد درخشانی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۶۰.
- ۱۰- دامادی، محمد. آداب المریدین. تهران: مولی، ۱۳۶۳.
- ۱۱- رازی، نجم‌الدین. مرصاد العباد من المبدء الی المعاد. به کوشش حسن الحسنی، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۷۳.
- ۱۲- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله. کلیّات. به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- ۱۳- سهروردی، شیخ شهاب‌الدین. عوارف المعارف. ترجمه ابومنصور عبدالمومن اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، تهران: شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۱۴- غنی، قاسم. بحث در آثار. تفکر و احوال حافظ، تهران: زوار، ۱۳۸۰.
- ۱۵- کاشانی، فیض. محجّه البیضاء فی تهذیب الاحیا. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.
- ۱۶- کاشفی، ملاحسین. لب لباب مثنوی. تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری، ۱۳۶۲.
- ۱۷- کیس ویت، «فمینیسیم متجدّد در پرتو مفاهیم سنتی زنانگی»، ترجمه فروزان راسخی، دانشنامه، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۱.
- ۱۸- محمّدبن منور. اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید، به کوشش شفیعی کدکنی، تهران: طهوری، ۱۳۶۵.
- ۱۹- مولوی، جلال‌الدین محمد. مثنوی معنوی. تصحیح رینولد آلن نیکلسون، تهران: زوار، ۱۳۶۰.
- ۲۰- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، کلیّات شمس. پگاه: تهران: ۱۳۳۵.

تحلیل زیبایی شناختی تجلی امنیت اخلاقی فرد و جامعه در آموزه‌های عرفانی □ ۹۹

۲۱- نراقی، احمد. معراج السَّعاده. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.

۲۲- نسفی، عبدالعزیز بن محمد. كشف الحقایق. تصحیح احمد مهدوی دامغانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹.

۲۳- یثربی، یحیی. فلسفه عرفان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.